

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه  
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1399/10/22



موضوع: احکام اموات/تکفین میت /عدم وجوب هزینه‌ی سایر تجهیز زوجه غیر از کفن بر زوج

سید یزدی در مسأله شماره شانزده می‌فرماید: «إذا كفنها الزوج فسرقة سارق وجب عليه مرة أخرى بل و كذا إذا كان بعد الدفن على الأحوط» [1]

کفن زوجه بر زوج واجب است حدوثاً و بقاء و از نظر بقا تا وقتی است که دفن شود؛ بلکه اگر بعد از دفن کفن دزدیده شود، علی‌الاحوط باید زوج دو باره کفن را تهیه کند؛ اگر گفته شود که بعد از دفن نبش قبر حرام است، جوابش این است که نبش بر اساس اجماع در جایی حرام است که هتک حرمتی در بین باشد، نه برای تکفین.

دلیل احوط این است که ظرف زمانی کفن بعد از غسل تا وقت دفن است و بعد از دفن مسئولیت کفن بر عهده‌ی زوج نیست؛ لذا استصحاب وجوب کفن جا ندارد؛ چون موضوع تغییر کرده، علاوه بر این که استصحاب در شبهه حکمیه است و بر مبنای مشهور جاری است و بر مبنای تحقیق از جمله در نزد سید یزدی و صاحب جواهر جاری نیست؛ زیرا معارض با اصل عدم جعل است، وجه احوط را می‌توان همین استصحاب تعلیقی در نظر گرفت که یک احوط استحبابی در نظر گرفته شود و دلیلی بر وجوب وجود ندارد.

سید یزدی در مسأله شماره هفده می‌فرماید: «ما عدا الكفن من مؤن تجهيز الزوجة ليس على الزوج على الأقوى و إن كان أحوط» [2]، هزینه غیر کفن مثل سدر و کافور، حفر قبر و

... بنا بر اقوا، بر عهده‌ی زوج نیست.

در این رابطه شیخ طوسی در کتاب مبسوط، ج 1، ص 188 تصریح دارد که مئونه‌ی تجهیز زوجه بر عهده‌ی زوج است.

فقیه حلی در کتاب سرائر، ج 1، ص 34 می‌فرماید: هزینه تجهیز زوجه بر عهده زوج می‌باشد.

شهید در کتاب دروس، ج 1، ص 11 می‌فرماید: مئونه‌ی تجهیز زوجه بر عهده زوج است.

شهید در کتاب ذکری، می‌فرماید: «الظاهر ان مؤنة التجهيز ايضا على الزوج كالحنوط وغيره [3]».

محقق ثانی در کتاب جامع المقاصد، می‌فرماید: «وتجب أيضا مؤنة التجهيز كالحنوط وغيره من الواجب لما سبق. [4]»

شیخ انصاری در کتاب طهارت، می‌فرماید: «و يلحق بالكفن في جميع ما ذكر: سائر مؤن التجهيز التي يتوقف عليها، كعوض الأعيان المصروفة في التجهيز، كالماء و الخليطين و عوض المدفن و كأجرة الغاسل و الحفار و الحمال. [5]»

آراء قدماى اصحاب این شد که مئونه‌ی تجهیز زوجه (آماده سازی برای خاک سپاری) بر عهده‌ی زوج است؛ ولی سید یزدی و سید حکیم و سید خویی حکم را بر عکس اعلام کرده اند و می‌فرمایند مئونه‌ی تجهیز غیر از کفن بنا بر اقوا بر عهده‌ی زوج نیست.

سیدنا الاستاد در کتاب تنقیح، ج 9، ص 136 می‌فرماید: تمام این مصارف طبق قواعد فقهی از اصل مال است و مقدم بر دین، وصیت و ارث می‌باشد و فقط در مورد کفن زوجه نص خاص داریم که کفن زوجه بر عهده‌ی زوج است و در مابقی دلیل نداریم، پس برای عدم وجوب، عدم دلیل کافی است؛ هر چند احتیاط این است که زوج آن را بدهد؛ برای این که ممکن است ذکر کفن در نص، از باب مثال باشد، بر اساس این احتمال، بگوییم احوط این است که سایر هزینه ها هم بر عهده‌ی زوج باشد در صورتی که زوج راضی باشد و در صورت عدم رضایت، حکم به احتیاط استحبابی هم خالی از اشکال نخواهد بود و خود کفن استثنای بر خلاف قاعده است و منحصر به مورد خودش می‌باشد.

اما فقهای که فرموده اند هزینه تجهیز بر عهده‌ی زوج است، آن را چه کار کنیم؟ علامه حلی یک قاعده بیان فرموده: هر کسی که واجب النفقه است تجهیز او بر نفقه دهنده می‌باشد و این فقها که چنین گفته اند ممکن است از صحیحی عبد الرحمن استفاده کرده باشند که در آن تعلیلی آمده: «خَمْسَةٌ لَا يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا- الْأَبُ وَالْأُمُّ وَالْوَلَدُ وَالْمَمْلُوكُ وَالْمَرْأَةُ- وَ ذَلِكُمْ أَنَّهُمْ عِيَالُهُ لَا زِمُونَ لَهُ. [6]» که اطلاق دارد حال حیات و ممات را شامل می‌شود و مستند قدما ممکن است این صحیحه باشد.

پس متأخرین و معاصرین چرا به این صحیحه عمل نمی‌کنند؟ در جواب گفته می‌شود که قابل جمع است، صحیحه دلالتش کامل است و قول قدما را می‌توان توجیه کرد و آن این

است که مورد روايت جایی است که ميت مالي ندارد که وافی به تجهيز ميت باشد، پس مورد اين صحيحه خاص است و سؤال از جایی است که مال ندارد تا خرج تجهيز شود، در اين صورت بايد زوج پرداخت کند و قدما هم شايد نظرش اين باشد و علامه حلی که گفت کسی که نفقه اش واجب است کفن و دفنش هم واجب است در صورتی که آن شخص مال کافی نداشته باشد. متأخرين هم می‌گویند اگر زوجه مالی نداشته باشد، زوج بايد پرداخت کند و اگر داشته باشد، طبق قاعده کفن و ديگر تجهيزات از اصل ترکه است و مقدم بر دين و وصيت و ميراث می‌باشد.

سید در مسأله شماره هیجده می‌فرماید: «كفن المملوك على سيده و كذا سائر مؤن تجهيزه إلا إذا كانت مملوكة مزوجة فعلى زوجها كما مر و لا فرق بين أقسام المملوك و في البعض يبعض و في المشترك يشترك [7]» که اين مسأله امروزه مصداق ندارد.

[1] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 310.

[2] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 310.

[3] الذکری، الشهيد الأول، ج 1، ص 51.

[4] جامع المقاصد، المحقق الثاني (المحقق الكركي)، ج 1، ص 399.

[5] کتاب الطهارة، الشيخ مرتضى الأنصاري، ج 4، ص 383.

[6] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 9، ص 241، أبواب المُسْتَحَقِّينَ لِلزَّكَاةِ وَ وَقْتِ التَّسْلِيمِ وَ النِّيَّةِ، باب 13، ح 1، ط آل البيت.

[7] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 310.